



بخش دوم:

رابطه‌ی بزهکاری با عوامل مختلف

ارتباط اعتیاد و بزهکاری

ویژگی‌های شخصیتی فرد معتاد موجب می‌گردد که وی نامزد خوبی برای اعتیاد باشد. چنین افرادی معمولاً پرتوقع، بهانه‌جو، کزخلق، از نظر عاطفی بی‌ثبات و نابالغ، وابسته، انفعالی و خود شیفته‌اند. آنان هم چنین طبعی بی‌قرار و عصیانگر دارند و دارای احساس خصومت و فاقد رشد اجتماعی‌اند. به گزارش راجسی و همکاران، احساس اضطراب و گرایش‌های افسردگی، حساسیت‌های عاطفی، بی‌زاری، احساس بی‌کفایتی و تنهایی در معتادان دیده می‌شود که تمایلات روان‌نژندی و ضداجتماعی را در آنان مشخص می‌سازد.

فرجاد در کتاب جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی (۱۳۵۸) چنین اظهار می‌دارد: معتاد کسی است که عادت به مصرف دارو دارد و در نتیجه‌ی مصرف که نیاز جسمی و روانی اوست اخلاق عمومی، سلامت و رفاه خود، خانواده و اجتماعش را به خطر می‌اندازد. اغلب معتادین ناگزیرند زندگی خود را از راه‌های نادرست چون دزدی، تجاوز، آدم‌کشی، فحشاء و فروش مواد مخدر تأمین کنند و این خود به افزایش کج روی و انحرافات اجتماعی در هر جامعه کمک می‌کند و چون قیمت مواد مخدر بی‌نهایت گران است، افراد معتاد، اغلب ناگزیرند که با انجام

نوآوری باید بزهکاری

دکتر عباس صادقی - استادیار گروه علوم تربیتی (مشاوره)،

دانشگاه گیلان

حسن حمیدی - عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی

دانشگاه گیلان

فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع مواد مورد نیاز خود را تأمین کنند.

ارتباط مصرف سیگار با بزهکاری

در ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت (۱۳۷۹، ص ۴۶ - ۴۵) آمده است که در زمینه‌ی رابطه‌ی بین استعمال دخانیات با سایر جرایم، باید به موضوع نیاز به اثبات استقلال در میان مجرمین اشاره شود. در واقع این افراد سیگار را به عنوان نمادی از ابراز وجود مورد استفاده قرار می‌دهند. در تحقیقی درباره‌ی کودکان خیابانی شهرستان اهواز معلوم شد که ۹۰٪ یک نمونه‌ی ۴۳ نفری از این کودکان سیگاری‌اند. باید توجه داشت که میانگین سن نمونه ۱۲/۵ سال بوده و هیچ کدام از آن‌ها به دلیل اعتیاد زندانی نشده بودند. در بخش دیگری از همین مطالعه در ارتباط با سن آغاز مصرف سیگار معلوم شد که ۱/۳ اعضای نمونه قبل از ۱۰ سالگی شروع به مصرف سیگار کرده‌اند و ۵۰٪ نمونه بین سنین ۱۰ تا ۱۲ سالگی به سیگار روی آورده‌اند. باید توجه داشت که مطابق قانون، ولگردی و خیابان‌خوابی جرم محسوب می‌شود و در ماده‌ی ۲۱۷ قانون اصلاح، موادی از قانون آیین دادرسی، مصوب شهریور ماه سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی و ماده‌ی ۷۱۲ قانون تعزیرات مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی بر این امر تأکید و تصریح شده است. از جمله نکات جالب دیگر تحقیق فوق تناسب بین سن آغاز خیابان‌خوابی و مصرف سیگار است. در واقع فرد به محض ورود به یک گروه خیابانی مصرف سیگار را آغاز کرده است.

بخشی از عام بودن مصرف سیگار بین این کودکان به نحوه‌ی زندگی آنان برمی‌گردد که به صورت دوره می‌نشینند و ضمن دست به دست کردن سیگار، بحث می‌کنند و به تبادل تجارب می‌پردازند. مصرف سیگار بین افراد، الزاماً بیرون از خانه شروع نشده است و در پاره‌ای از موارد افراد ضمن اقامت در خانه استفاده از سیگار را آغاز کرده‌اند. این امر نشانه‌ای از مشابهت خرده فرهنگ حاکم بر گروه‌های کودکان خیابانی و برخی خانواده‌هاست. زیرا در هر دو گروه کودک احساس می‌کند که با مصرف سیگار به نوعی ابراز وجود کرده است. در یک مطالعه‌ی دیگر معلوم شد که هر چه شیوع مصرف سیگار بین والدین بیشتر باشد، احتمال گرایش فرد به مصرف سیگار نیز زیادتر است.

ارتباط نارسایی‌های مغز و بزهکاری

درباره‌ی ارتباط نارسایی‌های مغز و بزهکاری، نوربها (۱۳۷۷، ص ۱۰۵) توضیح می‌دهد که:

- ۱- تحقیقات دکتر هیل^۱ در آمریکا حاکی از این است که یک بزهکار طبیعی دارای منحنی مغز طبیعی است.
- ۲- مطالعه‌ی ۱۴ متهم زندانی در انگلستان معلوم کرد که ۳۷٪ از این متهمان دارای منحنی مغز طبیعی نبوده‌اند. به خصوص در بزهکاران متمایل به جرائم شدید و پسیکوپاتها این نارسایی بیش‌تر به چشم می‌خورد.
- ۳- مطالعه‌ی پانصد جوان بزهکار در مرکز تحقیقات وکرسون در فرانسه نشان می‌دهد که فقط ۸٪ از این گروه دارای منحنی مغز غیرطبیعی بوده‌اند.
- ۴- تحقیقات دیگری در آمریکا توسط بلومبرگ^۲، باشی^۳ و بییز^۴ در مورد ۴۵۲ بزهکار و ۱۴۳۲ غیر بزهکار انجام شده که علائم غیرطبیعی از نظر نارسایی‌های مغزی نشان نمی‌دهد.
- ۵- بر عکس، کین برگ^۵ در تحقیقات کلینیکی و رادیوگرافی ن. پاند^۶ و ب. نی. یودی. تولیو^۷ آسیب‌های مغزی در میان بزهکاران را تأیید می‌کند. پاند با عکس برداری از مغز ۷۶ بزهکار بالغ در زندان‌های رم و ۳۰ مجرم در مرکز مشاهدات بزهکاران جوان به نتایج قابل توجهی رسیده است. این محقق در ۴۹٪ بزهکاران بالغ و ۲۰٪ جوانان، آسیب‌های غالباً مخفی مغز را مشاهده کرده است.

جنسیت و بزهکاری

دانش (۱۳۷۲، ص ۹۷) در مورد جنسیت و بزهکاری می‌گوید: جرم‌شناسان پدیده‌ی بزهکاری زنان را در نژادهای متفاوت و در سنین مختلف با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و تاریخی مورد بررسی قرار داده، همگی اذعان دارند که در تمام کشورها شمار زنان بزهکار به نسبت مردان مجرم خیلی کم است. در بررسی نوع جرائم ارتكابی زنان توجه به این موارد حائز اهمیت است: میزان سن = با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها، نسبت بزهکاری زنان به مردان در سنین مختلف تغییر می‌کند. موقعیت زنان = نسبت بزهکاری زنان در سنین مختلف با توجه به موقعیت زنان نیز تغییر می‌یابد.



ویژگی‌های شخصیتی فرد معتاد موجب می‌گردد که وی نامزد خوبی برای اعتیاد باشد. چنین افرادی معمولاً پرتوقع، بهانه‌جو، کژ خلق، از نظر عاطفی بی‌ثبات و نابالغ، وابسته، انفعالی و خود شیفته‌اند. آنان هم چنین طبعی بی‌قرار و عصیانگر دارند و دارای احساس خصومت و فاقد رشد اجتماعی‌اند.



خشونت‌آمیز است، دستگاه‌های قضایی در تمام مراحل دادرسی به سفیدپوستان ارفاق می‌کنند و در مورد سیاه‌پوستان و زردپوستان نظر مساعدی ندارند. محکومیت سیاه‌پوستان به حبس‌های طولی‌المدت بیش از سفیدپوستانی است که همان جرم را در کیفیت مشابه مرتکب شده‌اند. ۱۲ درصد جمعیت آمریکا را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند. ۴ درصد از محکومین به اعدام از سیاه‌پوستان‌اند. عده‌ی زنان بزهکار در نژادهای مذکور نسبت به مردها خیلی کم‌تر است. نوع جرائم ارتكابی سیاه‌پوستان در ایالات مختلف آمریکا با توجه به وضع اجتماعی آنان متفاوت است. در جنوب آمریکا، ضرب و جرح و قتل بیش از سایر ایالات می‌باشد. شمار بزهکاران سفیدپوست در جعل، تقلب، ایجاد حریق عمدی و مستی در حین رانندگی بیش از سیاه‌پوستان است. آن چه مسلم است، افکار، عقاید، آداب و رسوم و معتقدات مذهبی، وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه در نوع جرائم ارتكابی مؤثر است و نژاد تأثیری در ارتكاب جرم و بروز حالت خطرناک ندارد.

خانواده و بزهکاری

۱- محرومیت از والدین و بزهکاری

مساواتی آدر (۱۳۷۴، ص ۸۸ - ۹۰) در ارتباط با محرومیت از والدین توضیح می‌دهد که در ۵۰ سال گذشته مددکاران اجتماعی با جنبه‌های متعدد محرومیت از مواظبت پدران و مادران، مخصوصاً مادران، سر و کار داشته‌اند. طی جنگ جهانی دوم و بعد از آن، بیش‌تر مددکاران به وضع بچه‌های یتیم و افرادی که از زندگانی بهنجار خانوادگی محروم بودند، توجه نشان دادند. محرومیت هم از لحاظ شدت و هم از لحاظ استمرار فرق می‌کند. فقدان کلی روابط

موقعیت مکانی = شمار بزهکاران مؤنث و نوع جرائم ارتكابی آن‌ها در کشورها و مناطق مختلف، شهرها، روستاها و حتی در محله‌های یک شهر متفاوت است. نوع جرائمی که دختران و زنان در سنین مختلف در آمریکا مرتکب می‌شوند با نوع جرائم ارتكابی دختران و زنان همسن و سال آن‌ها در کشورهای ژاپن و پاکستان یا در قبیله‌های آفریقایی یا برزیلی متفاوت است.

نژاد و بزهکاری

دانش (۱۳۷۲، ص ۱۱۱ - ۱۰۹) در مورد رابطه‌ی نژاد و بزهکاری تصریح می‌کند که در آمریکا، متخصصان با توجه به نژادهای مختلف ساکن در آن کشور، در آمارگیری جرائم، سیاهان، سرخ‌پوستان، چینی‌ها، ژاپنی‌ها و فیلیپینی‌ها را از هم تفکیک می‌کنند. آمار بازداشتی به تعداد ۱۰۰ هزار نفر از یک گروه نژادی که سن آنان از ۱۵ سال بیش‌تر بوده است، نشان می‌دهد که شمار بازداشتی‌های سیاه‌پوست، سرخ‌پوست و چینی‌ها تقریباً سه برابر سفیدپوستان است و هم چنین عده‌ی محکومین سیاه‌پوست، سرخ‌پوست و چینی‌ها، ۴ تا ۶ برابر سفیدپوستان می‌باشد. شمار فیلیپینی‌ها در برابر ژاپنی‌ها در حدود نصف عده‌ی سفیدپوستان است. در بررسی علت فزونی شمار بزهکاران نژادهای مذکور بایستی تاریخ و سرگذشت غم‌انگیز نژادهای غیرسفیدپوست و مخصوصاً سیاه‌پوستان مورد دقت و تعمق قرار گیرد. اهم عواملی که عده‌ی بزهکاران سیاه‌پوست و زردپوست آمریکایی را زیادتر از سفیدپوستان نشان می‌دهد عبارت‌اند از: در بسیاری از موارد که سیاه‌پوستان و زردپوستان از مزایا و حقوق اجتماعی محروم‌اند، برای رفع نیاز و حوائج زندگی روزمره یا انتقام‌جویی مرتکب جرم می‌شوند، رفتار پلیس با آنان

با انسان‌های دیگر توأم با محرومیت در مراحل اولیه‌ی دوره‌ی نوجوانی تحت بررسی قرار گرفته و علائم آن نشان داده شده است. تاریخ نمونه‌هایی از بچه‌ها را ارائه می‌دهد که والدینشان را ترک گفته، با حیوانات وحشی زندگی کرده، شبیه حیوانات شدند و در نتیجه در محبت کردن و برقراری رابطه‌ی انسانی با دیگران ناتوان گردیدند. نمونه‌های دیگری از این کودکان مدت‌های طولانی در خانه‌ها و زیرزمین‌های در بسته زندانی شدند و به همین جهت از لحاظ عاطفی و هوش عقب ماندند. با وجود کوشش‌هایی که برای اجتماعی کردن این بچه‌ها به عمل آمده، موفقیتی حاصل نشده است. بدون تردید هدف و منظور محققان از این بررسی‌ها نشان دادن نقش روابط نزدیک انسان در توسعه و رشد شخصیت بهنجار است و همان‌گونه که مساواتی آذر از قول آندرای^۸ بیان کرده است، پدران و مادران زیادی هستند که ظاهراً در

محیط خانواده حاضرند، اما از لحاظ عاطفی غایب محسوب می‌شوند. یعنی والدین امکان دارد ظاهراً در محیط خانواده حضور جسمی داشته باشند، اما اطفال آن‌ها نمی‌توانند از کابوس آثار شوم روابط توأم با اضطراب و هیجان شدید محیط خانواده‌رهایی یابند.

مطالعه‌ی ارتباط محرومیت از پدر و مادر و بزهکاری و ناسازگاری اطفال با کارهای جان‌بالی^۹ آغاز شده است. بالبی برپایه‌ی تحقیقات بر روی یک گروه کوچک از متخلفین جوان اظهار داشت که کودک در نتیجه‌ی جدایی مستمر از مادر یا نامادری اش در ۵ سال اولیه‌ی زندگی و رشد، که مرحله‌ی تعیین‌کننده‌ای است، بیش‌تر در معرض زمینه‌های بزهکاری قرار دارد. اگرچه عده‌ی زیادی از مددکاران اجتماعی، تحقیق او را مورد انتقاد قرار داده‌اند و حتی دیدگاه‌های باربارا^{۱۰} و تون^{۱۱} و محققان دیگر او را واداشت که در بعضی دیدگاه‌هایش تجدید نظر کند، با این حال اهمیت کار اولیه‌ی او این موضوع را روشن کرد که احتیاجات روانی بچه‌هایی که مدت طولانی در نهادهای اجتماعی تحت مراقبت قرار می‌گیرند بر آورده نمی‌شود. طبق تحقیقات لوئیز^{۱۲}، تعدادی از مددکاران، فرضیه‌ی اصلی بالبی را مجدداً بررسی کرده‌اند. وقتی لوئیز ۵۰۰ بچه را در کانون کودکان مورد بررسی قرارداد، ملاحظه کرد که نتیجه برای تأیید فرضیه‌ی بالبی کافی نیست. اما او نتیجه گرفت که غفلت والدین (شکل مهمی از محرومیت)، احتمالاً بیش‌تر از تحمل یا طولانی کردن جدایی اهمیت دارد. بنابراین، می‌توان چنین اظهار نظر کرد که جدایی بچه و مادر، در جرم‌شناسی اطفال به عنوان یک عامل جرم‌شناسی محسوب می‌شود.

۲- میزان درآمد خانواده در میان گروه بزهکار و گروه غیر بزهکار مساواتی آذر (۱۳۷۴، ص ۷۵) معتقد است وقتی جوانان گروه مجرم و گروه کنترل را از نظر شرایط اقتصادی با هم مقایسه می‌کنیم، می‌توانیم بگوییم که حدود ۶۰ درصد جوانان مجرم شدیداً در بحران اقتصادی زندگی کرده‌اند. یعنی خانواده‌های آن‌ها هرگز نتوانسته‌اند کوچک‌ترین نیاز اقتصادی، تربیتی و اولیه‌ی آنان را فراهم کنند، زیرا ۶۰٪ خانواده‌های آن‌ها در ماه کم‌تر از ۷۵۰ تومان درآمد داشته‌اند و درآمد ۳۴٪ آن‌ها حتی از ۵۰۰ تومان هم کم‌تر بوده است. در صورتی که در گروه غیر بزهکار هیچ یک از خانواده‌ها در



دومین وضعیت قرار نداشتند و تنها ۱۰٪ آن‌ها معادل ۷۵۰ تومان در آمد داشته‌اند. (آمارها مربوط به سال ۱۳۷۳ است)

۳- وضعیت مسکن و بزهکاری

شامبیاتی (۱۳۷۷، ص ۷۱۶ - ۷۰۳) در مورد تأثیر مسکن خانواده در بزهکاری نوجوانان توضیح می‌دهد که والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، اطرافیان اجتماعی کانون خانواده‌ی خود را در جامعه تعیین می‌کنند و موقعیت کانون خانوادگی به نوبه‌ی خود در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوهای رفتار دامن زده، از این رهگذر اثرهایی خوب یا بد در تکوین شخصیت این موجودات نقش‌پذیر از خود به یادگار می‌گذارد. اگر کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که بروز بزهکاری در آن فراوان باشد، احتمال برخورد کودک با نمونه‌های متعددی از بزهکاری بیش‌تر است تا این‌که کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که وقوع جرم در آن منطقه به ندرت صورت می‌گیرد. به سخن دیگر احتمال برخورد با بزهکاری نسبت مستقیم با فراوانی آن دارد: الف) شکل مسکن: تحقیقی که درباره‌ی مسکن به عمل آمده نشان می‌دهد که ۹۰ درصد کودکان ناسازگار از خانه‌های پست و کثیف و اقامتگاه‌های جمعی برخاسته‌اند. بقیه‌ی کودکان یعنی ۱۰ درصد دیگر به محیط‌های خیلی فقیر تعلق داشته‌اند که در کلبه‌های چوبی یا اتاق‌های اربابه‌ای دوره گردها زندگی می‌کردند یا کودکانی بودند که در چندین کوی که از منازل شخصی تشکیل شده سکونت داشته‌اند. فقط در سه مورد مشاهده شد که فرزندان ناسازگار از میان خانه‌های مجلل برخاسته‌اند.

ب) منطقه‌ی مسکونی و نوع مسکن: در فرانسه ثابت شده است که خانواده‌های بسیاری از تبهکاران در شهر و در محله‌های نامساعد آن زندگی کرده‌اند. اما تاکنون مشخص نشده است خانواده‌هایی که در این گونه محلات زندگی می‌کنند بیش از میانگین خانواده‌های فرانسوی، بزهکار تحویل جامعه داده باشند.

ج) همسایگان و نقش جرم‌زایی آنان: مقوله‌ی همسایگی و مسئله‌ی انتخاب محله‌ی مناسب برای سکونت، از این رهگذر که ساکنان آن بخش و نفوذ رفتار همسایگان در تکوین شخصیت فرزندان می‌تواند شدیداً مؤثر باشد، به گونه‌ای بارز معرف سطح اجتماعی و اقتصادی والدین است



و علاقه‌ی آنان را در تعیین سرنوشت نیکوی فرزندان خود و جلوگیری از آسیب‌پذیری اینان به وجهی نمایان می‌رساند. طبق نظر شامبیاتی (۱۳۷۷) پس از بررسی‌های کلیفوردشاو^{۱۳}، استاد دانشگاه شیکاگو و شاگردانش، به نظر می‌رسد که بزهکاری مربوط به تراکم جمعیت شهری نیست، بلکه مربوط به محله است. نظر مشابهی در ایتالیا ابراز شده است. در آن کشور، از مدت‌ها پیش، یعنی به سال ۱۸۹۹ دو تن از محققان آن زمان تأثیر سوء زندگی در میان طبقات نامناسب را بررسی کرده‌اند. در فرانسه بجز مطالعات شخصی و کارهای یک قاضی پارسی تحقیقاتی براساس اسلوب علمی انجام نشده است. این قاضی توزیع تبهکاری نوجوانان را در پاریس و حومه‌ی آن بررسی کرد و نشان داد که قسمت اعظم تبهکاری در حومه‌ی پاریس اتفاق می‌افتد و این مناطق جزء محیط رنجبران است که اثر آن را در تکوین شخصیت جنایی نمی‌توان از نظر دور داشت. وجود مناطق بزهکاری مورد تأیید قرار گرفته است و از آن نتیجه گرفته‌اند که کافی است محل اقامت را تغییر دهند تا در رفتار افراد نیز دگرگونی پدید آید. کی نیا (۱۳۷۰، ص ۲۲۷) نیز در مورد مسکن خانواده‌های افراد بزهکار می‌گوید: دو پژوهشگر از فرانسه این نکته را روشن ساختند که بزهکاری نوجوانان و ناسازگاری آنان به طور کلی یک تابع محلی است و اغلب آن را باید در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده است، مشاهده کرد.

۴- کثرت اولاد و بزهکاری

کی نیا (۱۳۷۰، ص ۶۹۴ - ۶۹۳) تأثیر کثرت اولاد در بزهکاری را این گونه توضیح می دهد که نقش کثرت اولاد در افزایش بزهکاری به شکل زیر قابل توجیه است:

الف) کثرت اولاد از نظر اقتصادی خانواده ها را با دشواری روبه رو می سازد. فرزندان دچار سوء تغذیه می شوند، به قدر کافی رشد نمی کنند، آمادگی برای ابتلا به بیماری های گوناگون، به ویژه سل، ضعف بنیه و کم خونی پیدا خواهند کرد و به طور کلی وضع بهداشت چنین خانواده هایی در معرض خطر قرار می گیرد. به علاوه چه استعدادها که بر اثر فقر شکوفا نگردیده و سرمایه های عالی ناشناخته به ثمر نرسیده و پژمرده و نابوده شده اند. پایین آمدن سطح زندگی و با فقر گریبان گیر بودن، موجب اضطراب و نگرانی و تشویش خاطر در فرزندان است. این گونه فرزندان در خانه احساس آسایش و آرامش نمی کنند، در ادامه ی تحصیل و انجام دادن تکالیف خود توفیق نمی یابند و این امر به گونه ای دیگر به عقب افتادگی آن ها دامن می زند. بدبختانه خانواده های کم درآمد و فقیر دارای بیشترین فرزندان و در کشورهای کم ثروت روز به روز بر شمار تهی دستان افزوده می شود و از درآمد سرانه کم می گردد. بیهوده نیست که گفته اند فقر، فقر می آورد و دولت، دولت، سوء تغذیه، ضعف بنیه، ابتلا به بیماری ها و عقب ماندگی زمینه را برای پدید آمدن عقده ی حقارت فراهم می سازد و بین این عقده و بزهکاری رابطه وجود دارد.

ب) خانواده هایی که دارای فرزندان متعدددند، دچار کمبود و فقر عاطفی می شوند. پدر و مادری که دارای یک یا دو فرزندند به سهولت می توانند فضای کانون خانواده را سرشار از عشق و محبت کنند، ولی در برابر چندین فرزند چگونه می توانند پاسخگوی نیازهای عاطفی آنان باشند و همگی را مورد محبت و نوازش قرار دهند؟ پیداست که سطح عواطف در این گونه خانواده ها تنزل می یابد، گاهی جای خود را به بی تفاوتی می سپارد و زمانی هم ممکن است موجب تبعیض گردد.

ج) والدین با کثرت اولاد نمی توانند چندان سهمی در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود داشته باشند. فرزندان این گونه خانواده ها از ارشاد و کمک تحصیلی والدین خود



جرم شناسان پدیده ی بزهکاری زنان را در نژادهای متفاوت و در سنین مختلف با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و تاریخی مورد بررسی قرار داده، همگی اذعان دارند که در تمام کشورها شمار زنان بزهکار به نسبت مردان مجرم خیلی کم است.



بی بهره اند. اینان ممکن است مورد بی مهری مریبان و معلمان خود قرار گیرند و ناگزیر از تحصیل اعراض کنند و ترک مدرسه و خانه نمایند. بعضی سر بار جامعه گردند و بعضی راه کج در پیش گیرند.

د) خانواده هایی که بی رویه به تولید فرزند (یکی پس از دیگری) همت می گمارند، از مراقبت در رفتار آنان عاجز می مانند و ناگزیر آن ها را به حال خود رها می سازند. این گونه کودکان به ناچار باید در کوچه ها در میان ولگردان بزرگ شوند و به زودی هرگونه فعالیت بزهکارانه ای را بیاموزند.

۵- کانون خانواده و بزهکاری

آبراهامسن (۱۳۷۱، ص ۴۲۵ - ۴۱۹) در مورد نقش کانون خانواده در ارتباط با بزهکاری می گوید: غالباً دیده می شود که از میان چند کودک یک خانواده، یک نفر بزهکار می شود و این سؤال مطرح می گردد که علت چیست؟ جواب این سؤال ممکن است در خصومت ناخود آگاه پدر و مادر نسبت به یک کودک خاص یا محبت و جانبداری نسبت به کودک دیگر باشد. به طور معمول، وقتی یک محقق تعلیم و تربیت نوع ارتباطی را که میان کودک و اولیای او برقرار است مشاهده می کند، می تواند این موضوع را تشخیص دهد. از طرف دیگر، وجود فشار و ناراحتی در خانواده، چه پوشیده باشد یا



**خانواده‌هایی که بی‌رویه به تولید
فرزند (یکی پس از دیگری)
همت می‌گمارند، از مراقبت در
رفتار آنان عاجز می‌مانند و ناگزیر
آن‌ها را به حال خود رها
می‌سازند. این گونه کودکان به
ناچار باید در کوچه‌ها در میان
ولگردان بزرگ شوند و به زودی
هرگونه فعالیت بزهکارانه‌ای را
بیاموزند.**



به طور مداوم با کودک برخورد دارد و این برخورد با سن طفل بستگی کامل دارد. سنی که در آن کودک آزادی کامل ندارد و کاملاً آسیب‌پذیر است، از زمان تولد تا ۷ سالگی است. از این رو، این محیط خانواده است که نقش اساسی را در حالت بعدی طفل بازی می‌کند. هیچ کودکی از آغاز تولد اجباراً بزهکار متولد نشده و به او نگفته‌اند که به قانون بی‌احترامی کند. اما در ابتدای امر، این خانواده است که راه آینده‌ی طفل را تعیین می‌کند. به همین دلیل مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی در قرن بیستم و خصوصاً در نیمه‌ی قرن بیستم توسعه پیدا کرده و قسمتی از این مطالعات بر روابط پدر و مادر و کودک متمرکز شده و اکثر این تحقیقات بر اساس ارتباط بین بزهکاری و موقعیت‌های خانوادگی و روش‌های تعلیم و تربیت کودکان پی‌ریزی شده است. هر چند والدین با روش‌های تربیتی خود به تربیت طفل می‌پردازند و نمی‌خواهند فرزندشان منحرف بار بیاید، اما چون از دانش تعلیم و تربیت برخوردار نیستند، نتیجه‌ی مطلوب را نمی‌گیرند.

۶- طلاق و بزهکاری

در مورد ارتباط بین طلاق و بزهکاری در فصلنامه‌ی ندای اصلاح تأکید شده است که طلاق یکی از عوامل بزهکاری در کودکان است (طلاق به معنای حقوقی، یعنی جدایی قانونی یک زوج). طلاق را باید در بعد وسیع‌تری دید که ممکن است چند حالت داشته باشد و نهایتاً قطع رابطه‌ی زوجیت است که بعضاً در یک زندگی پرتشنج، جدایی والدین می‌تواند در محیطی که هنوز از هم جدا نشده‌اند، صورت بگیرد. اختلافات خانوادگی، دعوای، برخوردها و توهین‌ها، محیطی ناامن برای طفل به وجود می‌آورد. محیطی که طفل را وادار می‌کند از خانه فرار کند و به جایی پناه ببرد. کجا؟ برایش مهم نیست. دنبال یک مسکن می‌گردد. یک محل، یک مأمن و از آن جا که این طفل با توجه به شرایط زندگی و خانوادگی آن زمینه‌های مثبت را کم‌تر داشته، مسلماً به سمت بزهکاری کشیده می‌شود. بنابراین ما غیر از طلاق می‌توانیم جدایی اخلاقی و عدم تفاهم والدین را هم نوعی جدایی تلقی کنیم. بعضی والدین وجود دارند که با هم زندگی می‌کنند، اما عملاً از هم جدا هستند.

مساواتی آذر (۱۳۷۴، ص ۳۳۷ - ۳۳۶) هم به ارتباط بین

بارز، معمولاً نقش بسیار مؤثری در بزهکاری کودک بازی می‌کند. اولیا می‌توانند برای کودکان خود نمونه‌ی خوبی باشند و از این راه سرکشی آن‌ها را تضعیف کنند، زیرا کودکان با پدر و مادر خود همانندسازی و از آن‌ها تقلید می‌کنند. وقتی پدر و مادر به کودکان خود می‌گویند کاری را که به تو می‌گویم (نه آن چه را که انجام می‌دهم) انجام بده، این امر باعث حیرت کودک می‌شود، در حالی که اگر نمونه‌ی عملی خوبی برای کودک خود باشند که بتواند رفتارش را از آن‌ها تقلید کند، نیاز به انضباط به حداقل می‌رسد. برای نمونه شمار مادرانی که ندانسته دختر خود را با جملاتی از این قبیل به دزدی تشویق کرده‌اند، بسیار زیاد است: «تو می‌توانی بلوز خواهرت را برداری. او اصلاً این بلوز را نمی‌پوشد و مطمئن هستم که ناراحت نخواهد شد.»

مساواتی آذر (۱۳۷۴، ۳۰۸) هم در مورد مشکلات خانواده و ارتباط آن با بزهکاری تصریح می‌کند. ساترلند^{۱۴} و کره سی^{۱۵} (جرم‌شناسان آمریکایی)، مسایلی را عنوان می‌کنند که بی‌شبهت به مشکلات خانواده در کشور ما نیست و اصولاً این مشکلات در تمام جوامع از نظر کلی شبیه به یکدیگرند. این دو جرم‌شناس معتقدند که اصولاً خانواده



و کشمکش‌های موجود در میان پدران و مادران است و تبعیدشدن همان جدایی کودکان از خانواده‌های آن‌هاست. مشاجره‌ی بی‌در پی یا جدال والدین می‌تواند به احتمال زیاد همان نتایج جنگ را برای کودک فراهم کند، زیرا قدرت‌های برتر به خاطر منافع خود با هم جنگ می‌کنند، اما بدبختانه کشورهای کوچک بی‌طرف نیز الزاماً درگیر می‌شوند و نتایج این جنگ را بدون آن که بخواهند، تحمل کرده، رنج‌های آن را بدون مداخله‌ی مستقیم می‌بینند و بالاخره بدون داشتن امکانات، احتمالاً از آن محیط جنگی فرار می‌کنند.

کی‌نیا (۱۳۷۰، ص ۷۴۰-۷۲۹) هم در مورد از هم پاشیدگی کانون خانواده و تأثیر آن بر روی فرزندان می‌گوید: از پژوهش‌های علمی و عینی جامعه‌سنجی خانواده‌های نابسامان چنین بر می‌آید که کانون‌های نابسامان خانوادگی که افراد بزهکار تحویل جامعه داده‌اند، اغلب دارای یک یا چند خصیصه‌ی ذیل بوده‌اند:

۱- تبهکاری، انحراف یا میگزاری برخی از اعضای خانواده.

۲- از هم پاشیدگی کانون خانوادگی بر اثر فقدان والدین یا یکی از آن‌ها، خواه بر اثر مرگ یا طلاق یا ترک خانواده.

۳- عدم مراقبت والدین از فرزندان در اثر جهالت یا سایر نقیصه‌های حسی یا ناتوانی و علیلی.

۴- فضای نامطلوب خانوادگی در اثر تبعیض، افراط در نازپروری یا خشونت، اهمال‌کاری، حسادت، کثرت عائله یا عده‌ی اولاد، مداخله‌ی ناروا و مغرط سایر اعضای خانواده، سلطه‌ی بیجا و خشونت‌آمیز یکی از اعضای خانواده.

۵- اختلاف نژادی یا مذهبی، اختلاف اصولی در اسلوب رفتار، فرزندخواندگی، زندگی در پرورشگاه.

۶- مشکلات مالی، عدم کفایت در آمد، بیکاری، کارکردن مادر در خارج از کانون خانوادگی خود و بی‌سرپرست گذاشتن کودک.

تأثیر نامطلوب خانواده‌های نابسامان بر روی دختران، بیش از پسران است. زیرا زنان بزهکار بیش از مردان بزهکار از چنین خانواده‌هایی تحویل زندان داده می‌شوند. تحقیقات آماری جرم‌شناسان آمریکایی و اروپایی مؤید این نظر است و در توجیه آن می‌توان گفت که زنان را طبعی انفعالی است و بیش‌تر از مردان به محبت نیازمندند و جهات عاطفی آنان از مردان قوی‌تر است. ولی مقاومت و نیروی فعاله‌ی مردان از

طلاق و قربانی شدن کودکان چنین اشاره می‌کند که به نظر جامعه‌شناسان طلاق به مثابه‌ی یک بمب اتمی است. وقتی ما از جنگ جهانی که از حادثه‌های مهم و تلخ تاریخ اجتماعی به شمار می‌رود صحبت می‌کنیم، از تبعیدها و از دست دادن والدین حرف می‌زنیم و از میدان مبارزه و مقاصد طرفین جنگ سخن به میان می‌آوریم، در واقع می‌گوییم که این تنها مردها نیستند که در جنگ کشته می‌شوند یا تبعید می‌گردند، بلکه زنان و نوجویان و کودکان تازه به دنیا آمده هم نابود می‌شوند یا گرفتار می‌گردند. به دنبال این بحث که در این جا به طور نمونه و برای مقایسه آوردیم، می‌توانیم به یک مسئله‌ی مهم و اساسی دیگر اشاره کنیم. یعنی می‌توانیم این صحنه‌ها و مجموع این حادثه‌ها را در محیط خانواده‌ها مشاهده کنیم. در واقع جنگ جهانی برای اطفال همان جدال

اختلافات خانوادگی، دعوایها، برخوردها و توهین‌ها، محیطی ناامن برای طفل به وجود می‌آورد. محیطی که طفل را وادار می‌کند از خانه فرار کند و به جایی پناه ببرد. کجا؟ برایش مهم نیست. دنبال یک مسکن می‌گردد. یک محل، یک مأمن و از آن جا که این طفل با توجه به شرایط زندگی و خانوادگی آن زمینه‌های مثبت را کم‌تر داشته، مسلماً به سمت بزهکاری کشیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- DR. HILL
- 2- BLOOM BERG
- 3- BACHI
- 4- BIBZ
- 5- KINBERG
- 6- N. PAND
- 7- B. NI. UDI. TULIO
- 8- ANDRY
- 9- JOHN BOLBY
- 10- BARBARA
- 11- TON
- 12- LOUIS
- 13- KILFORD SHOY
- 14- SATERLAND
- 15- KERESI
- 16- WIX

منابع:

- آبراهامسن، دیوید: روان‌شناسی کیفری، ترجمه‌ی پرویز صانعی، چاپ احمدی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱.
- شامبیانی، هوشنگ: بزهکاری اطفال و نوجوانان (با تجدید نظر و اضافات) انتشارات ژوبین، چاپ هفتم، تهران ۱۳۷۷.
- فرجاد، محمد حسین: آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، بهار ۱۳۶۳.
- کی‌نیا، مهدی: مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۰.
- ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت، سال ششم، شماره‌ی ۶۶، تیرماه ۱۳۷۹.
- مساراتی آذر، مجید: آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات بونل، تهران ۱۳۷۴.
- نوربها، رضا: زمینه‌ی جرم‌شناسی، چاپ احمدی، ۱۳۷۷.
- دانش، تاج زمان: مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ مؤسسه‌ی کیهان، تهران ۱۳۶۹.

زنان بیش‌تر است و به همین دلیل اغلب جوامع قبول کرده‌اند که دختران بیش‌تر از پسران به مراقبت‌های خانوادگی نیازمندند و فلسفه‌ی این که اسلام حضانت دختران و پسران را به ترتیب تا ۷ و ۲ سالگی بر عهده‌ی مادران گذاشته، به احتمال قوی مبتنی بر همین نظر بوده است که دختران بیش‌تر از پسران به مراقبت مادران خود نیازمندند. درباره‌ی اختلاف تأثیر گسستگی یا از هم پاشیدگی کانون خانواده بر دختران و پسران توجهات گوناگونی به عمل آمده است. طبق نظر کی‌نیا (۱۳۷۰) بنا به عقیده و یکس ۱۶ برای این که بتوان تأثیر گسستگی کانون خانواده را بر دختران و پسران با یکدیگر مقایسه کرد، باید این نکته را در روی یک نوع بزهکاری ثابت بررسی کرد. پسران و دخترانی که مورد بررسی او قرار گرفته‌اند متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند و بزه ارتکابی آنان بی‌انضباطی، فرار و عیاشی بوده است که نسبت بین آن‌ها به طور محسوس برابر بوده است. محاکمه‌ی دختران، در بیش‌تر موارد، به دادگاهی که به این نوع جرائم رسیدگی می‌کند احاله گردیده و دادگاه اطفال در اغلب موارد، خود را در گیر این نوع ماجراها می‌یافت که پرونده‌ی آن‌ها از سازمان‌هایی به غیر از پلیس به آن احاله می‌شد. این امر نشان می‌دهد که گسستگی پیوند کانون خانواده، احتمالاً بیش‌تر از بزهکاری علت اصلی کشانده شدن اطفال به دادگاه است. گسستگی کانون خانواده تأثیر تقریباً یکسانی روی پسران و دختران دارد، مشروط بر این که فقط بزه‌های مشابه مورد نظر قرار گیرد.

ادامه دارد

شماره مسلسل :

«امام سجاد علیه السلام»
پروردگارا، مرا یاری کن تا فرزندم را خوب تربیت کنم.

نام و نام خانوادگی: سن :

شغل : میزان تحصیلات :

* قبلاً مشترک این نشریه :
 بوده‌ام
 نبوده‌ام
 شماره اشتراک قبلی :

لطفاً نشانی کامل خود را مرقوم نمایید : استان :

شهرستان :

کد پستی : تلفن :

لطفاً مبلغ ۲۴۷۵۰ ریال برای اشتراک یک ساله نشریه، در یکی از شعب بانک صادرات ایران به حساب شماره ۸۰۴- بانک صادرات ایران - شعبه شماره ۱۰۴۳ - خیابان فلسطین به نام انجمن اولیا و مربیان - مجله پیوند و اریز نموده، اصل فیش را همراه این برگه به نشانی تهران - خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۷۴ - دفتر نشریه پیوند یا صندوق پستی ۱۶۳۷-۱۳۱۸۵ ارسال فرمایید.

تلفن دفتر نشریه : ۶۴۰۹۵۷۹-۶۴۰۲۶۲۱

* در صورت تغییر نشانی، سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

* لطفاً فتوکپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک یک ساله نزد خود نگاه دارید.

خواننده گرامی و یار صمیمی مجله پیوند

مسئولان و دست اندرکاران این مجله در پی آنند که با بهره گیری از دیدگاهها و پیشنهادهای شما همواره در مسیر بهبود کیفیت مجله از لحاظ محتوا و شکل ظاهری گام بردارند. از این رو خواهشمند است با تکمیل و ارسال پرسش نامه زیر ما را در این امر مهم یاری فرمایید.

مشخصات فرد تکمیل کننده:

جنس: زن مرد سن: سال وضعیت تأهل: مجرد متأهل

میزان تحصیلات: شغل: محل زندگی: شهر روستا

۱- از چه زمانی مجله پیوند را مطالعه می کنید؟

۲- چگونه با مجله پیوند آشنا شدید؟ از طریق مدرسه از طریق دوستان موارد دیگر:

۳- این مجله چگونه در دسترس شما قرار می گیرد؟ از طریق اشتراک از طریق مدرسه فرزندان موارد دیگر:

۴- آیا علاوه بر شما فرد دیگری هم مجله شخصی شما را مطالعه می کند؟ بلی خیر چند نفر؟

۵- چه حجمی از مطالب مجله را مطالعه می فرمایید؟ همه مطالب نیمی از مطالب سه چهارم مطالب

۶- نظر شما درباره سطح علمی مجله چیست؟ ساده و روان مناسب و قابل فهم پیچیده و دیر فهم

۷- نظر شما درباره تعداد صفحات مجله چیست؟ کافی و مناسب است کم است زیاد است

۸- آیا از قطع و اندازه فعلی مجله، نحوه صفحه بندی، طراحی روی جلد، انتخاب عکسها و طرحها رضایت دارید؟

بلی خیر پیشنهاد شما در این زمینه چیست؟

۹- آیا از نحوه اشتراک و توزیع مجله راضی هستید؟ بلی خیر پیشنهاد شما در این زمینه چیست؟

۱۰- آیا با تقسیم مطالب مجله به دو بخش ویژه اولیا و مربیان موافق اید؟ بلی خیر

۱۱- آیا مایل اید درباره مشکلات خانوادهها، روشهای تربیتی فرزندان در سایر کشورها مطالبی در مجله چاپ شود؟ بلی خیر

۱۲- آیا انعکاس مسائل روز (در چهارچوب خانواده و آموزش و پرورش فرزندان) در مجله ضرورت دارد؟ بلی خیر

۱۳- محتوای فعلی مجله پیوند تا چه اندازه در حل مشکلات تربیتی فرزندان و دانش آموزان مؤثر است؟

بسیار کم کم زیاد بسیار زیاد

۱۴- کدام یک از مطالب مجله را بیش از سایر مطالب مطالعه می کنید؟ لطفاً به ترتیب اهمیت سه مورد را نام ببرید.

۱۵- جای چه مطالبی را در مجله خالی می بینید؟ لطفاً به ترتیب اهمیت سه مورد را نام ببرید.

۱۶- در چه زمینه هایی می توانید با مجله پیوند همکاری کنید؟ در صورت تمایل شماره تلفن خود را مرقوم فرمایید.

۱۷- لطفاً هرگونه نظر و پیشنهاد دیگری برای بهبود مجله پیوند دارید، مرقوم فرمایید.

۱۸- در صورت تمایل نام و نام خانوادگی خود را بنویسید.